



۱۴

اسطورہ صبر

شہید سید ابراہیم رئیسی

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ

صبوری کن! که صبر تو جز به یاری خداوند نیست.

نحل ۱۲۷



– حُب بچه‌ها! روی هرکدوم از برگه‌هایی که بین تون توزیع می‌کنم، درباره‌ی یه شخصیت معروف، دو تا ادعای جنجالی نوشته شده. شما باید برین تحقیق کنین، ببینین کدومش واقعی بوده، کدومش دروغ.

با خودم گفتم خدا کنه یه فوتبالیست به من بیفته؛ آخه عاشق فوتبال بودم و خیلی از بازیکن‌های مشهور رو می‌شناختم؛ اما از بد حادثه روی برگه‌ای که بهم رسید، نوشته بود: «سید ابراهیم رئیسی».

اسم آقای رئیسی به گوشم خورده بود؛ اما چون اهل سیاست نبودم، هیچ شناختی ازش نداشتم. فقط گاهی توی جمع‌های فامیلی دیده بودم که یه عده بهش بدوبیراه می‌گن؛ برای همین حسابی خورد توی ذوقم.

– آقا! می‌شه برگه‌ منو عوض کنین؟

– نه عزیزم! به‌طور اتفاقی هرکسی بهتون افتاده، در موردش تحقیق کنین. بی‌حوصله ادعاهایی که باید در موردش تحقیق می‌کردم رو خوندم؛

۱. تنها رئیس جمهوری که فقط شش کلاس سواد داشت.

۲. از امام رضا علیه السلام برای رأی آوردن در انتخابات سوءاستفاده کرد.

تا اینا رو خوندم، خونم به جوش اومد. برگه رو آوردم بالا و با تمسخر گفتم:

«آقا این سید ابراهیم رئیسی خلاف‌هاش سنگینه، شخصیتِ بهتر نبود بدین به ما

[و بچه‌ها زدن زیر خنده].»

معلم سرش رو برگردوند و گفت: «عجله نکن! گفتم که. اینا حرفائیه که توی جامعه دربارهٔ این اشخاص منتشر کردن؛ شما باید بررسی کنین، ببینین کدومش راست بوده و کدومش دروغ.»

با اینکه حسش نبود؛ اما ته دلم دوست داشتم بدونم این حرفا واقعاً درست بوده یا نه. پس عزمم جزم شد تا حسابی پیرامونش تحقیق کنم. گام اول هم پیدا کردن اصل ادعاها بود. برای همین نشستم یکی یکی جست و جو کردم، ببینم جریان چی بوده.

[رئیس جمهور شش کلاسه] ادعای اول مربوط به مناظرات انتخاباتی ۱۴۰۰ بود. یکی از کاندیداها مدعی شد که آقای رئیسی از نظر کلاسیک، شش کلاس بیشتر سواد نداره و با این سواد نمی شه کشور رو اداره کرد. تحقیق کردم ببینم این ادعا درسته یا نه؟ جالبه که با کوچیک ترین جست و جو، هم مدرک دانشگاهی آقای رئیسی رو پیدا کردم و هم فهمیدم وسط همون مناظره، مدرک دکترای ایشون توی فضای مجازی دست به دست شده و مردم دیدن. توی تحقیقاتم اینم فهمیدم که ایشون علاوه بر دکترای فقه و حقوق خصوصی، اجتهاد داشتن و استاد درس خارج و تفسیر قرآن هم بودن.^۱ پس ادعای اول مبنی بر شش کلاسه بودن ایشون دروغ از آب دراومد.

[سوءاستفاده از امام رضا] توی مناظرهٔ انتخاباتی سال ۱۳۹۶ یکی از کاندیداها خطاب به آقای رئیسی [که اون زمان تولیت حرم امام رضا علیه السلام رو به عهده داشتن] گفت: «خواهش می کنم امام رضا علیه السلام رو جناحی نکنین و بذارین امام رضا علیه السلام برای مردم بمونه. اگه می خواین پارچهٔ سبز و نبات پخش کنین، بذارین برای بعد از انتخابات.» خُب این اتهام خیلی سنگین بود. اگه ثابت می شد آقای رئیسی برای رأی آوردن چنین سوءاستفاده ای از جایگاهش کرده، واقعاً حق می دادم به کسانی که بهش بدویبراه می گفتن. برای همین تحقیقم رو در این زمینه قوی تر انجام دادم؛ اما باز دیدم این ادعا هم دروغ ناجوانمردانه ای بیش نبوده؛ چون آقای رئیسی از همون زمانی که تصمیم می گیرن کاندیدا بشن (یعنی قبل از شروع نام نویسی رسمی کاندیداتوری) دیگه توی مجموعهٔ آستان قدس رضوی حضور

۱. صحبت های آقای اسماعیلی «وزیر ارشاد دولت رئیسی» در برنامهٔ تلویزیونی.

پیدا نکردن و حتی جلسات رسمی رو نرفتن تا هیچ کس تصور نکنه ایشون از نام امام رضا (ع) برای انتخابات سوءاستفاده کرده.^۱

خیلی دوست داشتم آقای رئیسی حداقل با این تهمت بزرگ برخورد کرده باشه، ولی هرچی گشتم، دیدم نه تنها این اتهام، بلکه ایشون با هیچ کدوم از تهمت زندگان مقابله نکردن. فقط یه کلیپ دیدم از وزیر ارشاد دولت ایشون، که می گفت بعد از یه مناظره، آقای رئیسی رفت سمت کسی که بهش نسبت ناروا زده بود و گفت: «من برای شما بابت این گناهی که مرتکب شدی، از خدا طلب مغفرت می کنم.»^۲

چسبوندن این نسبت های ناروا به آقای رئیسی زمانی برام دردناک تر شد که فهمیدم ایشون نه تنها از امام رضا (ع) سوءاستفاده تبلیغاتی نکرده، بلکه طی سه سال تولیت آستان قدس رضوی، یه ریال هم حقوق نگرفته. می گن حتی پول صبحونه و ناهار و شام هایی که خورده بود رو کامل حساب کرده و به حرم برگردونده.^۳

هرچی بیشتر درباره آقای رئیسی می خوندم، حرص بیشتری می خوردم از این همه صبر و تحمل؛ چون می دیدم ایشون در مورد یه عده از تهمت زنده ها خیلی چیزها می دونسته، اما نمی گفته. خودش گفته بود: «من به واسطه مسئولیت هایی که داشتم، اطلاعاتم نسبت به اشخاص بیشتره و قلبم صندوقه اسراره؛ پس اگه لب به سخن باز کنم، هیچ کس حریفم نیست؛ اما کسی که می خواد رئیس جمهور بشه، اولین شرطش داشتن ظرفیته. من هرگز منافع مردم و امنیت ملی رو فدای منافع شخصی نمی کنم.»^۴

یکی دیگه از نتایج تحقیقاتم این بود که فهمیدم انگار آقای رئیسی این صبر و تحمل و رعایت اخلاق رو توی تموم دوران مسئولیتش داشته. سال ۷۸ وقتی حادثه کوی دانشگاه رقم خورد و دانشگاه ها ریخت به هم، آقای رئیسی برای

۱. توضیحات خود شهید در برنامه تلویزیونی.

۲. صحبت های آقای اسماعیلی (وزیر ارشاد دولت رئیسی) در برنامه تلویزیونی.

۳. سخنرانی حجت الاسلام عالی.

۴. سخنرانی انتخاباتی آقای رئیسی در جمع مردم اصفهان.

سخنرانی دعوت شد به دانشگاه شریف. هرچی می‌گن با محافظ برین، ایشون قبول نمی‌کنه. خلاصه می‌ره و حدود دو ساعت، به سؤال‌های دانشجویها پاسخ می‌ده و جو رو آروم می‌کنه. بعد از جلسه وقتی دانشجویها از سالن خارج می‌شن و می‌پرسن که ماشین آقای رئیسی کدومه، بهشون پیکانی که باهاش اومده بود رو نشون می‌دن. اون زمان برخی از مسئولین با ماشین‌های مدل بالایی مثل تویوتا کرسیدا جابه‌جا می‌شدن و این ساده‌زیستی آقای رئیسی به قدری دانشجویها رو به وجد میاره که با کنایه خطاب به مسئولین اشرافی شعار می‌دن: «بیت‌المال حیا کن، مسئولین رو رها کن.» بعد هم با تعریف و تمجید و ربوبی آقای رئیسی رو بدرقه کردن. فردای اون روز یکی از روزنامه‌ها ناجوانمردانه جوری تیتراژ که انگار دانشجویها این شعار رو علیه آقای رئیسی دادن. بنده خدایی می‌گه زنگ زدم به سردبیرش و گفتم: «یه جَو انصاف داشته باشین! من اونجا بودم و دانشجویها این شعار رو خطاب به مسئولین اشرافی و در حمایت از آقای رئیسی دادن.» ایشونم گفت: «یکی از همکارها مون شیطنت کرده، عذرخواهی می‌کنم.» می‌گه رفتم پیش آقای رئیسی و قضیه رو براش تعریف کردم. ایشونم با آرامش گفت:

«در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خارِ مگیلان غم مخور. ما عددی نیستیم، دیگران رفتن سینه سپر کردن و شهید شدن. من یه بچه سرباز بیشتر نیستم. بذار این رو هم بگن، به کجا بر می‌خوره؟»^۱

برایم باورپذیر نبود این حجم از بزرگی و تحمل. مگه می‌شه یه نفر این قدر صبور باشه آخه؟ بابا! تو مگه کاسه صبرت چقدر وسیع بوده که به دروغ آبروت رو توی کشور بُردن و هیچی نگفتی؟

جوابی برای این سؤال نداشتم. فقط قلم رو برداشتم و جلوی اسمشون نوشتم: «اسطوره صبر.» بعد به دلم افتاد جست‌وجو کنم ببینم خدا توی قرآن درباره صبر چی گفته. آیه جالبی پیدا کردم: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ یعنی صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست.

تازه فهمیدم شهید رئیسی به توصیه قرآن، همه ايام رو صبر کرده تا به چشم خدا بیاد. اون قدر برای خدا زندگی کرد که همه زندگی‌ش شد خدا. دخترش

می‌گفت: «بابای من همیشه دنبال کسب رضایت خدا بود؛ اینم که می‌گن خادم ملت، در واقع ایشون خادم الله بود و توی خدمت به مردم هم فقط دنبال کسب رضای خدا بود.»^۱

وقتی هم خوبِ خوب با بندگی خدا خواستنی شد، خدا به بهترین وجه خریدش. خادم امام هشتم، به عنوان هشتمین رئیس جمهور ایران، در شب میلاد هشتمین امام به شهادت رسید و در جوار هشتمین اختر آسمان امامت و ولایت دفن شد تا همین نوع رفتن، بهترین پاسخی باشه واسه تموم تهمت‌ها و مزد شیرینی باشه برای همهٔ اون صبر و تحمل‌ها.

۱. سخنرانی دختر شهید رئیسی در بزرگداشت شهدای پرواز اردیبهشت (ویژه بانوان) در مشهد مقدس.